

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقری
فرستنده: محمود شاداب
۱۲ جنوری ۲۰۱۸

[رنج بینوائیها]

سالا کشیدم من رنج بینوائیها	صرف کردم عمر خود را در غزلسرائیها
در سراغ مهرویان باختم صفائیها	روز پیش چشم من پر غبار گردیده
در دلم فتاد اکنون شوقِ پارسائیها	وقتِ ناتوانی ها هوش بر سرم آمد
پوره نامد از دستم پاسِ آشنائیها	از رفاقت و یاری لافها زدم بیجا
عالم دگر باشد در برهنه پائیها	پا ز موزه بیرون کن، پیروی مجنون کن
بهره مند می کردی ساز با جدائیها	روزی یار با من گفت سود نیست در وصلم
از غرورِ حسنِ خود دعویِ خدائیها	می کند نکورویان هر یکی به دور خویش
نقدِ جان تو خواهند بهرِ رونمائیا	در پی نکورویان عشقری چه می گردی